

جهاد تبیین و نقش حلقه‌های میانی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مهدی محمدزاده بنی‌طرفی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷

چکیده:

روش نظام سلطه در حکومت بر افکار، اغوا و روش نظام الهی ارشاد است. لذا نظام سلطه در جنگ روایتها تلاش دارد تا با تحریف واقعیت‌ها، بر افکار عمومی مسلط گشته و اهداف استکباری خود را به دست آورد. اما در نقطه مقابل، نظام الهی تلاش دارد تا با جهاد روشنگری، افکار عمومی را از اسارت سلطه نجات بخشد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در جنگ روایت‌ها راهبرد جهاد تبیین را برگزیدند و از سوی دیگر، ایشان با ارائه بیانیه گام دوم، هدف پیش روی انقلاب اسلامی را مشخص نموده و جوانان را مخاطب قرار داده‌اند. از این رو، مسئولیت اصلی این جهاد در مسیر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر عهده حلقه‌های میانی است که در ارتباط با بدنه جامعه از یک سو و مسئولین نظام اسلامی از سوی دیگر هستند. لذا ضرورت دارد که نقش حلقه‌های میانی در جهاد تبیین با هدف تحقق بیانیه گام دوم مشخص گردد. پژوهش حاضر اطلاعات را به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به صورت توصیفی-تحلیلی بررسی می‌نماید.

واژگان اصلی: انقلاب اسلامی، گام دوم انقلاب اسلامی، تمدن اسلامی، حلقه‌های میانی، جهاد تبیین.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران یکی از تحولات و پدیده‌های نادر قرن بیستم بود که نه تنها تأثیر عظیمی بر جامعه ایران، بلکه بر نظام بین‌الملل گذاشت، چرا که این انقلاب، مبتکر ارزش‌هایی منشعب از ماهیت دینی خود بود که هم توانست در ساختار سکولار نظام بین‌الملل قرن بیستم، به عنوان یک پدیده‌ی نو و متمایز ظاهر شود، و هم حکومتی جدید در سطح نظام داخلی ایجاد کند. (موسوی، دوره ۱، شماره ۱، ۹۹) انقلاب اسلامی ایران نقطه‌ی عطفی در تحولات فکری بشر قرن حاضر بوده و هست. زیرا جمهوری اسلامی نسخه‌ی جدیدی از حکومت است و در زمانی به وقوع پیوست که دو نظام فکری قدرتمند بر شرق و غرب عالم سیطره داشت و هر کدام مدعی بودند سیره و روش آنها ضامن سعادت انسان است و البته در یک نقطه اشتراک نظر داشتند و آن جهان‌بینی و ایدئولوژی منهای خدا بود. انقلاب اسلامی مسیر تولد و کمال خود را پیمود و در جهان حاضر برای ملت‌های جهان الهام بخش گشت. اگرچه این الهام بخشی در همه ملت‌ها یکسان نیست، اما شیرازه استکبار در جهان را به چالش کشیده است. به عنوان نمونه، ایالات متحده آمریکا که بعد از فروپاشی شوروی، خود را قدرت بلامنزاع می‌پنداشت، امروز توان اعمال اراده خود بر منطقه غرب آسیا را ندارد و در این منطقه، اندیشه انقلاب اسلامی را مانع حرکت خود می‌داند.

از سوی دیگر، انسان متحیر قرن حاضر به دنبال سؤالات فکری و عقیدتی خویش بدین سو و آن سو نظر می‌کرد و جز سرگشتگی که محصول دلدادگی به ایسم‌های ساخته‌ی دست بشر بود چیزی نصیبش نمی‌شد و برای خود ملجاء نمی‌یافت. در این بین جمعیت حدوداً یک میلیاردی مسلمانان که در کشور‌هایشان عموماً نظام‌های وابسته و متأثر از یکی از این دو تفکر حکومت می‌کرد و فقط نام اسلام را یدک می‌کشید تحت تأثیر حکام و سردمداران خویش آرام آرام به این نتیجه رسیده بودند که اسلام پاسخگوی نیازها و شبهات و خواسته‌های فردی و اجتماعی آنها نبوده و باید راه حل جدیدی اندیشید. در کشور ما نیز بعد از کشته شدن امیرکبیر، مدرسه‌ی دارالفنون که می‌رفت تا به یکی از مراکز علمی و اسلامی شرق تبدیل شود به مأمنی برای روشنفکران غرب‌زده و تحصیل کرده‌ی فرنگ تبدیل شد و راه ورودی شد برای امواج روشنفکری غربی که مبلغ سعادت منهای خدا بود.

این نوع از مسائل، سبب گشت که جریان استکباری که خود را در مقابل مستقیم نظامی ناتوان می‌بیند و مقابله اقتصادی را هم در آستانه شکست می‌یابد، به نبرد فرهنگی با محوریت تحریف حقایق انقلاب اسلامی روی آورد. در چنین شرایطی مقام معظم رهبری (حفظه الله) راهبرد «جهاد تبیین» در برابر تهاجم تحریف را ارائه نمودند. جهاد تبیین دارای ابعاد مختلف بنیادین،

راهبردی، عملیاتی، تاکتیکی و تکنیکی است که هر یکی از آنان جای پژوهش مستقل دارد. اما غایت جهاد تبیین، تبیین حقایق انقلاب اسلامی و حرکت در مسیر گام دوم انقلاب است که مخاطب اصلی آن جوانان می‌باشند. جوانان نیز غالباً در سطوح میانی جامعه قرار دارند. از این رو؛ ضرورت دارد؛ در گام نخست پژوهش درباره جهاد تبیین، به نقش حلقه‌های میانی در جهاد تبیین با هدف تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته شود. این پژوهش داده‌ها را به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به صورت توصیفی-تحلیلی بررسی می‌نماید.

مفهوم کاوی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی متشکل از دو واژه انقلاب و اسلامی است. انقلاب در لغت به معنای دگرگون شدن (عمید، ۱۳۷۱: ۲۱۰) و در اصطلاح تحوّل سریع، شدید و بنیادین ناشی از وقوع طغیان عموم مردم در اوضاع و احوال سیاسی جامعه و در نتیجه، جایگزینی یک نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی به جای نظام دیگر می‌باشد و ریشه‌های انقلاب نیز نارضایتی از وضع موجود و آرمان وضع مطلوب است (مطهری، ۱۳۸۹، ۲۴: ۱۳۹) از نگاه شهید آیت الله سید محمد باقر صدر؛ انقلاب، جنبشی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معینی است که با درک واقعیت‌های موجود، به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های حاکم است. (جمشیدی، ۱۳۷۷: ۱۲۰)

مراد از اسلام، به عنوان یک دین، مجموعه‌ای از معارف است که از طرف خداوند برای هدایت و استکمال انسان‌ها نازل گردیده و به وسیله رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به نوع بشر ابلاغ شده است. از ترکیب انقلاب و اسلام، حقیقت واحد و بسیط پدید می‌آید که انقلاب اسلامی نام دارد و در تعریف انقلاب اسلامی گفته‌اند: «انقلاب اسلامی عبارت است از حرکت امت مسلمان در جهت تغییر نظام غیر اسلامی موجود و جایگزین نمودن یک نظام جامع و کامل اسلامی به جای آن؛ همچنین تلاش برای اجرای مقررات، قوانین و برنامه‌های اسلامی در کلیه شؤون زندگی خویش (یعنی امت)». (صدیقی، ۱۳۷۹: ۴۹) شهید مطهری نیز در تعریف انقلاب اسلامی گفته است: «انقلاب اسلامی راهی است که هدف آن، اسلام و ارزش‌های اسلامی می‌باشد و انقلاب و مبارزه، تنها برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد. در این صورت انقلاب اسلامی متفاوت با اسلام انقلابی خواهد بود، زیرا در صورت اخیر، انقلاب و مبارزه هدف خواهد بود و نه وسیله، برخلاف صورت نخست که مبارزه و انقلاب، وسیله است نه

هدف». (مطهری، همان: ۳۶۳)

با توجه به آنچه که بیان شد؛ انقلاب به معنای دگرگون شدن و ریشه آن کلمه‌ی قلب است، انقلاب اسلامی ایران عبارت است از دگرگونی‌هایی که با جهت‌گیری و ماهیت اسلامی در این کشور اتفاق افتاد. این بدان معناست که انقلاب اسلامی معتقد است که اسلام ظرفیت جامعه‌سازی داشته و می‌توان یک حکومت را با همه‌ی نظامهای مورد نیاز بر پایه‌ی آن طرح ریزی نماید.

چیستی حلقه‌های میانی

واژه حلقه‌های میانی از ابداعات مقام معظم رهبری است که در تاریخ اول خرداد ۱۳۹۸ ارائه شده است. ایشان در دیدار جمعی از فعالان گروه‌های جهادی بحث حلقه‌های میانی را بیان نموده‌اند. ایشان در این دیدار به ترسیم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته و خاطر نشان کردند که جامعه نیازمند یک حرکت عمومی به سوی گام دوم انقلاب اسلامی است و جوان‌های متعهد را محور این حرکت معرفی می‌نماید. سپس فرایند ورود جوان‌ها به این حرکت عمومی را ترسیم می‌کند در واقع نحوه ورود جوان‌ها به چرخه نیروی انسانی موثر و جامعه ساز در کشور به چه شکلی است. ایشان ابتدا به کارهای جهادی جوان‌ها و کارهای روشنگری آنها به کارهای دانش بنیان آنها اشاره می‌نماید و این تشکل‌ها را حلقه‌های میانی معرفی می‌کند که ماموریت‌های متعددی همانند ماموریت جمع نمودن جوان‌های جهان اسلام یا جبهه مقاومت را بر عهده دارند. ایشان معتقدند جوان‌ها باید تشکل‌های درست کند به این تشکل‌ها به واسطه این که در حد خودشان انقلاب اسلامی را دنبال می‌کنند آرام آرام به مرور وارد چرخه حاکمیت می‌شود پس بنابراین تشکل‌هایی که جوان‌ها درست می‌کنند چند خاصیت همزمان دارند، محوریت جوان‌ها را در فرایند عمومی حرکت جامعه به سمت چشم انداز روشن خودش معلوم می‌گردد و سبب می‌شود که جوانان وارد چرخه مسئولیتی در نظام اسلامی گردند. (بیانات معظم له در دیدار جمعی از فعالان گروه‌های جهاد: ۱۳۹۸/۳/۱)

بیانیه گام دوم انقلاب

انقلاب اسلامی چهل سال پر فراز و نشیب را پشت سر گذاشته است اما در این چهل سال، انقلاب اسلامی از همه‌ی مخاطرات عبور کرده و اکنون به یک جوان برومند تبدیل شده است. مقایسه‌ی چهل سالگی انقلاب اسلامی با چهل سالگی یک انسان، قیاسی به جا نیست. انسان در چهل سال اول

زندگی نقطه‌ی اوج خویش را گذرانده است اما در ارتباط با تمدن‌ها اینگونه نیست. چهل سالگی یک تمدن مانند دوران گذر از نوجوانی است چهل سالگی یک تمدن مانند دوران گذر از نوجوانی است که تازه از مخاطرات عبور کرده و از آب و گل درآمده است. انقلاب اسلامی ما، در این مقطع قرار دارد و آماده‌ی جهشی بسیار جدی است. مقام معظم رهبری چهل سال دوم را با این پیام شروع میکنند که اکنون بایستی اوج بگیریم. ایشان تأکید دارند که ما از سختیها عبور کرده‌ایم و در این مرحله‌ی اوج گیری بایستی به چندین مورد توجه جدی داشته باشیم. این بیانیه مهم است به دلیل صادرکننده و امضای زیر آن! صادرکننده‌ی این بیانیه شخصیتی است با ویژگیهای حقیقی ممتاز و جایگاه حقوقی رفیع. بیانیه‌ی حدوداً شش هزار کلمه‌ای چنین شخصیتی که تک تک واژگانش با عنایت انتخاب شده اند حتماً مهم و نیازمند تعمق و شایسته‌ی تدبیر در آن است. این بیانیه همچنین مهم است به دلیل مخاطب اصلی آن یعنی جوانان؛ جمعیتی انبوه، تحصیلکرده، پُرانرژی و آینده‌ساز؛ حدود ۹۵ میلیون نفر (اگر فقط جوانان ایرانی را مخاطب این بیانیه بدانیم) که هر کدامشان میتوانند موتور محرکه و پیشران حرکت و اقدامی مهم و سازنده برای کشور در جهاد تبیین باشند. این بیانیه مهم است به دلیل مقطع صدور آن یعنی چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز دهه‌ی پنجم و چهل سال دوم انقلاب. فراموش نکنیم که سردمداران شیطان بزرگ در خفا و علنی وعده‌ی پایان انقلاب تا قبل از این ایام را داده بودند، این بیانیه همچنین مهم است به دلیل محتوا و مضامین راهبردی آن. بیانیه یا منشور گام دوم انقلاب اسلامی در عین انقلابی بودن، بسیار عالمانه و منصفانه به نگارش درآمده و ضمن دفاع کامل از راه پیموده شده، کاستیها و فاصله‌ی طولانی تا بایسته‌ها و آمادگی برای تصحیح خطاها در آن پذیرفته شده است.

(کشیشیان، ۱۴۰۰)

بیانیه گام دوم به این معناست که؛ این یک گام جدیدی است. یک مرحله‌ی جدیدی است، اولاً جواب‌آهنایی است که گفتند انقلاب تمام شد و مُرد، که نه، «گام دوم» این که اسم این هنوز ما یک گام برداشته ایم و تازه داریم گام دوم را شروع میکنیم و این انقلاب مُردنی نیست. این همیشگی است، چرا؟ با همان بیانی که ایشان دارند، چون انگیزه‌های این انقلاب انگیزه‌های فطری است. ثانیاً این انقلاب، انقلاب اسلامی است و انقلاب اسلامی یعنی همه‌ی ساحت‌های زندگی انسان را تحت تأثیر قرار میدهد.

حلقه‌های میانی انقلاب اسلامی و ضرورت جهاد تبیین

قبل از شناخت ضرورت ورود حلقه‌های میانی انقلاب اسلامی به جهاد تبیین، نخست باید به درستی جهاد تبیین و ضرورت آن را درک نمود. مفهوم «جهاد تبیین» مفهومی مرکب است و ترکیب آن هم ترکیب اضافی است که اضافه آن نیز از سنخ «اضافه بیانی یا تبیینی» است که در آن، مضاف الیه برای مضاف، کارکرد تبیینی و توضیحی دارد. همچنین به لحاظ تحلیل منطقی، در ترکیب «جهاد تبیین» مفهوم جهاد را می‌توان به مثابه «جنس» تلقی کرد که مفهومی عام است و مفهوم تبیین را می‌توان به مثابه «فصل» آن دانست که کارکرد تخصیصی دارد و نوع آن جنس را مشخص می‌کند. مراد از جهاد تبیین در بیان امام خامنه‌ای (حفظه الله) نوعی تحول و تغییر جهادی و بنیادین در عرصه‌ی رسانه با هدف تبیین انقلاب اسلامی در لایه‌های مختلف است که تمایز مشخصی با حرکت‌ها و کنش‌های پیشین رسانه‌ای دارد، یعنی هم از حیث کمیت و مقدار و هم از لحاظ کیفیت و شیوه‌های انجام، باید با کنش‌های سابق رسانه‌ای متفاوت باشد، به طوری که ذات آن هم به نحوی انقلابی و دارای حرکت تکاملی باشد.

جهاد تبیین نوعی حرکت انقلابی است که صورت و فعلیت آن حرکت جهادی و غایت آن، «تبیین» است؛ یعنی جریان انقلابی باید تحولی انقلابی در موضوع تبیین را در حوزه رسانه تجربه کند. تبیین به معنای بیان حقایق است، تبیین همچنین به خودی خود صورت نمی‌گیرد و مقتضی فاعلیت و ایفای نقش توسط کنشگران و فعالان انسانی است. حرکت جهادی از لحاظ ماهیت و کمیت و کیفیت، با حرکت معمول متفاوت است و این حرکت جهادی باید برای تبیین صورت بگیرد؛ تبیینی که فعلیت و غایت آن است، یعنی از یک سو، این حرکت جهادی رسانه‌ای را از سایر تحولات جهادی مانند جهاد نظامی متمایز می‌کند و از سوی دیگر، باید توجه داشت که جهاد تبیینی، حقیقتی ثابت و در دسترس و آماده نیست؛ بلکه باید به سوی تحقق آن حرکت کرد. با توجه به مقدمات مذکور، به یک واقعیت غیرقابل اغماض نیز باید اشاره کرد و آن جنگ روانی دشمن و زمین بازی‌ای است که آن را طراحی کرده است. جنگ نرم، یعنی جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی که با هدف نفوذ و با روش دروغ و شایعه پراکنی با ابزارهای پیشرفته نوین صورت می‌پذیرد. (حسن زاده، ۱۳۹۲: ۱۷)

تحریف حقایق و عملیات روانی در طول تاریخ وجود داشته است. خدای متعال در قرآن کریم به عملیات روانی یهود در چند آیه اشاره می‌کند، از جمله در آیه ۴۶ سوره نسا که می‌فرماید: «مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» «گروهی از یهود کلمات (خدا) را از جای خود تغییر دادند» و نیز در آیه ۷۵ سوره بقره که می‌فرماید: «فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» «گروهی از آنان کلام خدا را شنیده و به دلخواه خود تحریف می‌کنند با آنکه در کلام

خود تعقل کرده و معنی آن را دریافته‌اند». جریان استکبار و توابع آن‌ها از اول انقلاب اسلامی به دنبال تحریف حقایق انقلاب اسلامی بودند (صلح میرزایی، ۱۴۰۰: ۴۱) و از عملیات روانی، هدفی مهم و بنیادین را دنبال می‌کند و آن هم تبدیل عملیات روانی به عملیات میدانی است. به بیان دیگر، تمام این سیاه‌نمایی‌ها، نفرت پراکنی‌ها، یأس آفرینی‌ها، تشویش‌ها و اعتمادزدایی‌هایی که صورت می‌گیرد را نباید تنها یک جنگ روانی برای القای یک سلسله پیام‌ها در ذهن مخاطب دانست؛ بلکه این فرآیندهای روانی مذکور که در لباس عملیات رسانه‌ای محقق می‌شوند، در عین اینکه خودشان هدف هستند، وسایل و ابزاری برای تحقق یک هدف اصلی‌تر یعنی ایجاد آشوب و برهم زدن نظم اجتماع برای سلطه بر جامعه اسلامی هستند.

جهاد تبیین در دو وجه ضرورت می‌یابد؛ یکی بر اساس معنای خاص جهاد یعنی تقابل و مبارزه با دشمن و دیگری برحسب معنای عام آن، یعنی جهاد برای تبیین حقیقت برای ذات حقیقت و این دو وجه با یکدیگر تعارض و تضاد ندارند؛ بلکه دو روی یک حقیقت هستند. لذا ضرورت دارد که حلقه‌های میانی انقلاب اسلامی در دو سطح پاسخ به تهاجم نرم دشمن و فراتر از آن تبیین حقایق انقلاب-خواه تهاجم دشمن باشد یا نباشد- بپردازند.

مسأله جهاد تبیین و مقابله با تحریف، در اصل ناشی از مسئولیت عظیم و خطیر حفظ و بقای انقلاب اسلامی و به منظور آن است. به عبارت دیگر جهاد تبیین ضامن انقلابی اصیل ماندن، پیشرفت و پیروزی در مقابل دشمنان در عرصه‌های مختلف و یک وظیفه و تکلیف آحاد جامعه به خصوص حلقه‌های میانی است. همچنین می‌توان گفت با توجه به اینکه فتنه‌های آخرالزمان بیشتر از جنس ایجاد انحراف در افکار و وارونه جلوه دادن حقایق و تحریف حقایق هستند از جهاد تبیین می‌توان به عنوان یک جهاد آخرالزمانی نام برد. این معنا در فرمایشات مقام معظم رهبری به وفور و از چند سال قبل مورد اشاره و عنایت قرار گرفته که در ادامه به ذکر و تحلیل چند نمونه از آنها پرداخته می‌شود.

اشاره به مسئله جهاد تبیین به عنوان یک امر ضروری که در درجه اول بر عهده ائمه علیهم‌السلام است در اندیشه مقام معظم رهبری در زمان امام خمینی‌ره نیز به چشم می‌خورد؛ ایشان در پیامی به یک کنگره علمی اینچنین به این مطلب پرداخته‌اند: «... این مبارزه بزرگترین هدفش تشکیل نظام اسلامی و تأسیس حکومتی بر پایه‌ی امامت بود. بی‌شک تبیین و تفسیر دین با دیدگاه امامان معصوم و رفع تحریف‌ها و کج‌فهمی‌ها از معارف اسلامی و احکام دینی نیز هدف مهمی برای جهاد اهل بیت بحساب می‌آمد.» (پیام به کنگره‌ی علمی بین‌المللی امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام ۱۳۶۳/۰۵/۱۸)

معظم له حدود پنج سال قبل در دیدار دانشجویان به صورت مکرر و پیاپی بر مسأله لزوم و ضرورت تبیین حقایق در همه زمینه‌ها تاکید می‌کنند ضمن آنکه نکته دقیقی را اشاره دارند و آن اینکه ابتدا تبیین را از جمعهای خودتان آغاز کنید و این مطلب مهمی است که در آموزه‌های دینی مورد تاکید قرار گرفته است.^۱ (امام علی (ع)، ۱۴۱۴: ۴۸۰) پایه‌ای بودن تبیین در تفکر اسلامی از این حیث که مخاطب آن انسان است و ویژگی انسان این است که تا نسبت به امری قانع نشود از روی میل حرکتی نمی‌کند و جنبشی نخواهد داشت چرا که روح و حقیقت او باید مطمئن شود کما اینکه در تقاضای حضرت ابراهیم علیه‌السلام از خداوند متعال به اطمینان قلب به عنوان چیزی فراتر از ایمان اشاره می‌گردد (بقره/ ۲۶۰)^۲ و اینکه راه‌حل همه مشکلات اعم از موارد خارجی و داخلی و هر اتفاقی تبیین است از جمله مطالبی است که توسط ایشان مورد اشاره قرار می‌گیرد. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۵/۰۴/۱۲)

مؤلفه‌های نقش‌های حلقه‌های میانی در جهاد تبیین

چارچوب فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی بر پایه ظرفیت جامعه‌سازی و نظام‌سازی فقه‌بنا نهاده شده البته جامعه‌سازی که مستخرج از مبانی و منابع اسلام است و در این صورت است که می‌تواند یک مدل سوم در مقابل دو مدل حکمرانی مذکور باشد و به دنیا مدل جدید اداره جامعه و حکومت‌داری را ارائه بدهد. جهت‌گیری اسلامی انقلاب مردم ایران به معنای پایه‌گذاری حکومت بر ظرفیت جامعه‌سازی اسلام در همه ابعاد است که البته تاکنون به‌طور کامل تحقق پیدا نکرده و این امر در استقرار یک نظام حکمرانی جدید امری طبیعی است. بر همین اساس است که تاکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر تبیین فقه حکومتی توسط فقها در قالب درس‌های خارج معلوم می‌شود. بحث از فقه حکومتی در واقع بحث از فقه نظام‌ساز است و به عبارت دیگر فقه نظام‌ساز به دنبال تبیین مبانی ظرفیت جامعه‌پردازی اسلام و استخراج این معنا از منابع اسلامی است؛ اثبات این مدعا که بر اساس دین می‌توان یک مجتمع انسانی را اداره کرد و یک نظام را در همه ابعاد اعم از آموزشی، اقتصادی، امنیتی، نظامی، فرهنگی و غیره طراحی نمود.

۱. قانع‌سازی دلها

۱. وَ قَالَ عَ مَنْ نَسَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا - [فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ] فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ.

۲. «و لکن لیطمئن قلبی»

یکی از مهمترین مؤلفه‌های تهاجم نرم و تقابل با آن، قانع سازی مخاطب است. متقاعدسازی یعنی برای ایجاد ارتباط کارسازتر با دیگران، اصول و مهارت‌هایی را یاد بگیریم؛ به گونه‌ای که صحبت‌ها و کارهای ما مورد قبول دیگران باشد. در یک کلام، متقاعدسازی، فرآیندی است که طی آن نگرش یا رفتار یک فرد، بدون هیچ اجباری، تحت تأثیر صحبت‌ها و رفتار ما، قرار می‌گیرد. لذا مقام معظم رهبری با التفات به این مسئله می‌فرماید:

«تبیین اساس کار ما است. ما با ذهنها مواجهیم، با دلها مواجهیم؛ باید دلها قانع بشود. اگر دلها قانع نشد، بدنها به راه نمی‌افتد، جسمها به کار نمی‌افتد؛ این فرق بین تفکر اسلامی و تفکرات غیر اسلامی است.... تفکر اسلامی تبیین است. فَاِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ؛ (آل عمران ۲۰) به پیغمبر خدا می‌گوید وظیفه‌ی تو رساندن است، حرف را باید برسانی. باید تبیین کنید؛ حرفهایتان را، نظراتتان را بگویید؛ در مسائل مهم کشور؛ در مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی تبیین کنید، در مسئله‌ی پیشرفت علمی - اینها مسائل مهم کشور است.» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۵/۰۴/۱۲)

متقاعد سازی مهارتی است که در مراحل مختلف زندگی فردی و اجتماعی به کار می‌آید و به موفقیت منتهی می‌شود. محتوایی که ارائه می‌دهید و زمانی که برای ارائه محتوای خود انتخاب می‌کنید، نقش بسیار مهمی در تأثیرگذاری سخنانتان دارد. برای شروع ارتباط برقرار کردن می‌توانید زمینه مشترکی را بین خودتان و طرف مقابل پیدا کنید و در نهایت، اصل حرف خود را با او در میان بگذارید. علاوه بر توجه به محتوا، زمانی که برای متقاعد سازی مخاطبان انتخاب می‌کنید هم مهم است. فرد باید در آرامش کامل باشد، دغدغه دیگری نداشته باشد و برای گوش دادن فعال و برقراری تعامل آماده باشد.

۲. تبیین شعار نه شرقی و نه غربی

انقلاب اسلامی در بدو تولد خود، با دو قدرت استکباری در جهان متولد شد. جهان دو قطبی آن روز در سیطره بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی و بلوک غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا بود. تصور غالب جهان نیز این بود که برای حیات باید به یکی از این دو قطب قدرت پناه برد. اما انقلاب اسلامی ایران، از همان آغاز روزهای تأسیس هر دو قطب را نفی نموده و خود را در پناه خدای متعال تعریف می‌کند و شعار «نه شرقی، نه غربی» یکی از اصول انقلاب اسلامی می‌گردد. این مفهوم به عنوان یک اصل کلی در ترسیم سیاستهای داخلی و خارجی نظام جمهوری اسلامی مورد استناد قرار گرفت و در دو بستر ایدئولوژی و بستر سیاسی تاریخی قابل ملاحظه است. اما بیشتر بستر ایدئولوژیکی آن مورد توجه قرار گرفت (ضابط پور، دوره ۲ شماره ۳، ۱۴۰۰)

بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید:

«شعار «نه شرقی و نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجاتبخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان نباید وابسته به غرب و اروپا و امریکا و نه وابسته به شرق، شوروی، که ان شاءالله تعالی به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته است و به طور قطع و یقین، پشت کردن به این سیاست بین‌المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه هدی علیهم‌السلام است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است. چرا که شرط ورود به صراط نعمت، حق برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود.» (امام خمینی ره، ج ۲۰: ۳۱۹)

یک فهم غلطی شکل گرفته و باید به این شعار دقیق‌تر نگاه کرد، شعار نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی در سال ۵۷ برای تاکید بر حفظ استقلال و آزادی کشورمان شکل گرفت. برای فهم دقیق‌تر این شعار باید فهم درستی از روابط کشورها در اوایل انقلاب داشته باشیم زیرا در آن مقطع دنیا از دو قطب بلوک شرق و بلوک غرب برخوردار بود و این دو با ایدئولوژی خود جریان سلطه را در جهان شکل می‌دادند یعنی یک جریان سلطه با محوریت واشنگتن در غرب بود و یک جریان سلطه در شرق با محوریت شوروی وجود داشت، بنابراین شعار نه غربی و نه شرقی نفی این سلطه‌گری بود.

براین اساس با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ایدئولوژی کمونیسم به حاشیه رفت و اکنون ما با سلطه‌گری از جانب شرق مواجه نیستیم، در واقع کشورهای حوزه شرق مانند روسیه و چین امروز به دنبال سلطه نیستند بلکه به عنوان یک کشور به دنبال ارتباط مبتنی بر احترام متقابل هستند بنابراین روابط با روسیه و چین را مبتنی بر احترام متقابل می‌داند. البته این شعار هم منطوق دارد و هم مفهوم. منطوق آن، نفی دو قطب شرق و غرب است و با از بین رفتن بلوک شرق، در حقیقت بخشی از این منطوق، ظاهراً موضوع له خود را از دست می‌دهد. اما مفهوم این شعار نفی استکبار است که در آن مقطع زمانی در دو قطب استکباری مصداق داشت. به عبارتی، این شعار بیان نفی استکبار به زبان مصداق آن زمان است. لذا حتی اگر بلوک غرب هم از بین رود، این شعار هرگز از بین نمی‌رود و تا زمانی که استکبار

وجود دارد، خواه در غرب باشد یا شرق، در شمال باشد یا جنوب، مفهوم آن وجود دارد و لفظ آن نیز به صورت نمادین، در همه زمانها، دلالت بر نفی مطلق استکبار دارد.

۳. عدم ارتباط با آمریکا

با پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) طومار نظام شاهنشاهی در ایران برچیده شد. در دوران ستم شاهی، دست‌های غارتگر کشورهای سلطه‌گر - به ویژه در دو‌یست سال گذشته - دیده می‌شود زمانی دولت غارتگر بریتانیا، ایران را به تیول شخصی خویش در آورده بود. عزل و نصب پادشاهان و دست درازی به منابع نفتی و غیر نفتی ایران به امری طبیعی و قانونی! برای غارتگران جزیره ی بریتانیا درآمده بود. به محض افول قدرت استعمارگر پیر، استعمارگر جدید پا به عرصه ی سیاست گذاشت تا بسان خلف ناصالح خود به چپاول کشورها و به ویژه ایران بپردازد. ایالات متحده آمریکا، به عنوان یک قطب نوظهور در عرصه ی سیاست محسوب می‌شد و با حضور قلدرانه ی خود در اقصی نقاط جهان سیطره ی انگلستان را کمرنگ می نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی، نفوذ و چپاول مستکبران در ایران از بین رفته و منافع آنان به خطر افتاد. لذا چاره را در مبارزه با انقلاب اسلامی دیده و تا کنون از هیچ تلاشی برای نابودی انقلاب اسلامی مضایقه نکردند. لذا سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران نفی استکبار و قطع رابطه با آن شد. این قطع رابطه، امروزه به وسیله ابزارهای رسانه‌ای مورد خدشه واقع گشته و نیازمند تبیین است. مقام معظم رهبری (حفظه الله) در این زمینه می‌فرماید:

در مسئله‌ی ارتباط با آمریکا [تبیین کنید]؛ برای خیلی‌ها روشن نیست. برای شما که مجموعه‌های دانشجویی هستید، اگر روشن نیست، بروید برای خودتان روشن کنید؛ اگر روشن است، برای مجموعه‌ی دانشجویی تبیین کنید. چرا بنده این‌قدر اصرار دارم که ارتباط با آمریکا نبایستی برقرار بشود حتی مذاکره، جز در مسائل مشخص و معینی که حالا اقتضای مصلحت باشد؛ علتش چیست؟ خب این یک دلیلی دارد؛ این دلیل را سیاستمدارهای حتی طرف‌دار با آمریکا هم یک جاهایی تایید کردند..... بنشینند راجع به این قضیه استدلال‌های مناسب را پیدا کند، این را ترویج کند. ببینید! [این] (مسئله رابطه با آمریکا) یکی از چیزهای مورد تبیین است. مسئله‌ی سبک زندگی اسلامی ایرانی که ما مطرح کردیم، خب این درخور بررسی است، این را تبیین کنید، هم خودتان عملاً و هم تبیینی. مسئله‌ی فرهنگ، یکی از مسائل مهم است، این را تبیین کنید.» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۵/۰۴/۱۲)

یکی از دلایلی که بر موضع‌گیری رهبر انقلاب بسیار مؤثر است، خصایل فکری و سیاسی دولتمردان آمریکایی است. از منظر ایشان، دولت آمریکا دارای روحیه‌ی استکباری، مظهر سلطه، نماد توطئه و کودتا و ترور، و جنایتکار است و دولتی با این خصوصیات به عنوان ام‌الفساد قرن به شمار می‌آید. آمریکا با نظام جمهوری اسلامی مخالف است و این مسئله، حقیقتی است که نمی‌توان انکارش نمود. اما اینکه علل اصلی مخالفت دولتمردان ایالت متحده با جمهوری اسلامی چیست، با اعتقاد رهبری، ریشه در پنج عامل مهم دارد: اولین علت آن است که جمهوری اسلامی ایران با توسعه‌طلبی و استعمارگری آمریکا مخالف است. دوم آنکه، شاکله نظام جمهوری اسلامی بر مبنای فرامین دین اسلام بنا نهاده شده است و اسلام خواهی نظام چیزی نیست که باب طبع آمریکایی‌ها باشد. سومین عامل، حمایت ایران از ملل آزادیخواه، به ویژه فلسطین است. لذا ارتباط جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی مبتنی بر آرمانهای انقلاب اسلامی با نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا به عنوان قطب استکباری، تا زمانی که روش ایالات متحده مبتنی بر تفکر استکبار است، موضوعیت ندارد و این عدم موضوعیت نیازمند تبیین برای جامعه اسلامی است.

۴. دشمن شناسی

ضرورت و لزوم جهاد تبیین و پیش‌دستی کردن در ارائه روایت صحیح از حوادث و فرصت ندادن به دشمن در این عرصه، با توجه به اثری که در حال و آینده جامعه خواهد گذاشت و سواستفاده دشمن در صورت کوتاهی جبهه خودی نسبت به این امر و وارونه جلوه دادن و قلب حقایق همه‌گی و وظیفه‌ی جوانها را برای اقدام به جهاد تبیین روشن می‌نماید از جمله نکاتی است که مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

«...نکته‌ی مهم دیگر در زندگی این بزرگوار که آن هم باز نشانه‌ی تدبیر است، این است که این بزرگوار جهاد تبیین را، جهاد روایت را راه انداخت؛ نگذاشت و فرصت نداد که روایت دشمن از حادثه غلبه پیدا کند؛ کاری کرد که روایت او بر افکار عمومی غلبه پیدا کند. حالا تا امروز روایت زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) از حادثه‌ی عاشورا در تاریخ مانده، [اما] در همان زمان هم تأثیر گذاشت در شام، در کوفه، در مجموعه‌ی سالهای حکومت اموی و منتهی شد به ساقط شدن حکومت اموی. ببینید! این درس است؛ این همان حرفی است که بنده همیشه می‌گویم: شما روایت کنید حقایق جامعه‌ی خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت میکند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت میکند؛ شما اگر حادثه‌ی دفاع مقدس را

روایت نکنید، دشمن روایت میکند، هر جور دلش میخواید؛ توجیه میکند، دروغ میگوید [آن هم] ۱۸۰ درجه خلاف واقع؛ جای ظالم و مظلوم را عوض میکند. شما اگر حادثه‌ی تسخیر لانه‌ی جاسوسی را روایت نکنید - که متأسفانه نکردیم - دشمن روایت میکند و کرده؛ دشمن روایت کرده، با روایت‌های دروغ. این کاری است که ما باید انجام بدهیم؛ وظیفه‌ی جوانهای ما است.» (بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت، ۱۴۰۰/۹/۲)

در اندیشه مقام معظم رهبری (حفظه الله) نظام سلطه همانند اختاپوس خطرناک و غده‌ای سرطانی است. (رضایی، ۱۳۹۱: ۲۰) طلبه، دانشجو و دانش آموز باید بیدار باشد و دشمن را به خوبی بشناسد و این اولین گام برای رسیدن به آرمان‌ها است. (بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۸/۱۰)

۵. عمل به شعارهای انقلاب

از دید امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که بر حول محور منظومه توحیدی و کوثری اسلام ناب محمدی (ص) شکل گرفته است، دین اسلام، دین کاملی است که داده‌ها و گزاره‌های آن تا معرفت انسانی در عرصه تشریع و هستی و کالبد او در عرصه تکوین موجود است، دوام و بقا دارد. گذر زمان و روزگار بر آن خدشه‌ای وارد نخواهد کرد. شعارهای انقلاب دینی، متوقف در جغرافیای محصور و محدود شده ایران نبوده و دلیل آن نیز چیزی جز فطرت پاک و سرشت انسان‌ها برای کسب حقیقت از منبع وحی نیست. انسان‌ها در سیر گذر زمان از حوزه‌های معرفتی و هستی، مبتلا به سؤال‌ها و نیازهای نوینی می‌شوند؛ چنانچه پارادایم‌های حاکم که عموماً مادی هستند توان پاسخ‌گویی به سؤال‌های بشر را نداشته باشند و سعی نمایند با داده‌های قدیمی به سوالات جدید پاسخ دهند، دچار بحران و ناهنجاری معرفتی خواهند شد. (رمضانی و مهرداد، ۱۳۹۷؛ ۳۰)

خودتکاپی و اعتماد به توان درونی؛ یکی دیگر از عوامل بقا و دوام انقلاب اسلامی است. تاکید بر توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل ایران اسلامی و جهان اسلام از جمله اموری است که در سیر آگاهی، اعتماد و مشارکت‌جویی، توانست دوام انقلاب را رقم زند. قدرت درون‌زا در ساحت‌های مختلف علم و فناوری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و اطلاعاتی باعث شکل‌گیری خودباوری و شعار اصلی انقلاب "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" و فراتر از آن به یک راهبرد در تأمین استقلال و آزادی تبدیل شده است. (جداوی و شیروانی، ۱۳۹۹: ۸۸-۹۹)

۶. رفع تحریف‌ها و کج فهمی‌ها

تحریف در معنای تحت اللفظی آن به معنای حرف را برگردانیدن و جایجایی کلام است و به تعبیر قرآن «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (نساء/۴) یعنی حرف را از جای خودش عوض کردن، می‌باشد. یهود و مسیحیت در قرآن متهم به این کار بودند، زیرا در تحریف گری ید طولایی داشتند. این بلایی بود که بعدها بر مسلمانان هم آمد و کسانی این مصیبت را بر سر آیین و مضامین عالی اسلام آوردند.

تحریف در دوران پس از ظهور اسلام نیز مسبوق به سابقه می‌باشد، دستگاه‌های اموی و عباسی هر یک به نوعی تلاش در تحریف حقایق اسلام داشتند. به عنوان مثال؛ دستگاه اموی امام حسین علیه السلام را متهم به خروج علیه خلیفه اموی نمودند و خلیفه اموی را در این فرآیند تحریف، خلیفه رسول خدا (ص) معرفی کردند. در نتیجه مردم را بر ضد امام حسین (ع) تحریک نمودند. در واقع یک مفهومی را که معنای اسلامی دارد به لحاظ تطبیق مصداق روی امام برحق آوردند و ایشان را امام خروج کرده‌ی بر علیه دین جلدش معرفی کردند. همانطور که قبلاً نیز در مورد امیرالمومنین علی علیه السلام این کار را کرده بودند ایشان را طوری جلوه داده بودند که با دین و مسجد و محراب و نماز اصلاً نسبتی ندارد؛ لذا وقتی امام شهید شد عده‌ای گفتند مگر علی مسجد هم می‌رفته؟ مگر علی نماز هم می‌خوانده؟ اما در حماسه کربلا، حضرت زینب (س) به جهاد تبیین پرداخته و نگذاشتند که این حماسه توسط دستگاه اموی تحریف شود. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

«...این چهل روزی هم که بین عاشورا و اربعین هست، تالی‌تو روز عاشورا است. اگر روز عاشورا اوج مجاهدت همراه با فداکاری -فدا کردن جان، فدا کردن عزیزان، فرزندان و یاران- است، این چهل روز، اوج مجاهدت همراه با تبیین، همراه با افشاگری، همراه با توضیح [است]. اگر این چهل روز نمی‌بود، اگر حرکت عظیم زینب کبری (سلام الله علیها) و جناب ام‌کلثوم و حضرت سجاد (علیه السلام) نمی‌بود، شاید آن فقره‌ی «لَيْسَتِنْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ» اتفاق نمی‌افتاد... به معنای واقعی کلمه این تبیین مکمل آن فداکاری بود. ...به مسئله‌ی «تبیین» اهمیت بدهید. خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدفهای بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و بخصوص جوانها، «حرکت تبیین» خشتی‌کننده‌ی این توطئه‌ی دشمن و این حرکت دشمن است...به معنای واقعی کلمه خودتان را مجهز کنید و در این میدان وارد بشوید: در میدان تبیین و افشاگری، یعنی راهی که زینب کبری (سلام الله علیها) در این چهل

روز انجام داد...» (بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین، ۱۴۰۰/۰۷/۰۵)

امروز انبوهی از رسانه‌ها به خصوص با وضع فضای مجازی با هزاران متخصص هنر، رسانه و علوم ارتباطات و با پشتیبانی امنیتی و مالی انبوه در کار هستند تا نظام جمهوری اسلامی، افکار و مذاق ایمان‌ها و باورها را تضعیف و تخریب کنند و برگردانند. دشمن با این وضع برای تخریب دین و فکر مردم به میدان آمده است. دشمن آمده هندسه دینی را به هم بزند که اگر به هم خورد، آن زمان مردم انقلابی و دنبال نظام جمهوری اسلامی نیستند و از انقلاب و دین دست می‌کشند. آنچه در اینجا اهمیت دارد، فعالیت جهادی لایه‌های میانی در تبیین حقایق بنیادین انقلاب اسلامی و حفظ حریم اسلام در عرصه اجتماعی است. انقلاب اسلامی زمانی تحقق می‌یابد که عموم مردم مسلمان و مؤمن باشند. (بروجردی، ۱۳۹۲: ۲۸) انقلاب مناسبات اجتماعی و اقتصادی فرع بر انقلاب مردم است و تا مردم منقلب نشوند، هیچ یک از انقلابات دیگر نیز تحقق نمی‌یابد. (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۶۹/۱۲/۱)

۷. قاب تصویر هنرمندانه

از یک سو؛ مهمترین ابزار تهاجم نرم جریان استکبار و توابع آن به انقلاب اسلامی، رسانه و هنر است و از سوی دیگر، هیچ اندیشه‌ای بی هنر ماندنی و آفریننده نیست. هنرمندان اندیشه می‌سازند و متفکران اندیشه می‌کنند. همچنین اگر تاریخ را مطالعه کنیم، خواهیم دانست، کسانی که در زمینه‌های علوم تجربی صاحب نظر و مکتب بوده‌اند و کشفیات و نوآوری داشته‌اند، دانشمند معمولی نبوده‌اند، بلکه بسیار بالاتر از آن و صاحب ذوق هنرمندانه و عارفانه بوده‌اند. باید گفت که پیشوای همه افراد، پیامبران الهی هستند که به درستی بزرگ‌ترین هنرمندان تاریخ بشرند؛ هم در عرصه هنر اندیشه و هم در هنر تربیت انسان‌های برتر و هم در ایجاد حرکت در تاریخ. لذا نقش هنر و رسانه در جهاد تبیین قابل انکار نیست و مقام معظم رهبری (حفظه الله) از آن تعبیر به قاب تصویر هنرمندانه نموده و می‌فرماید:

«مطلبی که من بیشتر می‌خواهم روی آن تکیه بکنم و توجه شما و دیگرانی که این صحبت را می‌شنوند جلب کنم، «جهاد تبیین» است که من این را مکرر تکرار کرده‌ام... من می‌خواهم بگویم آن روز که این حرکت تاریخی نوزدهم بهمن در برابر امام انجام گرفت، اگر آن عکسی که از این واقعه منتشر شد منتشر نمیشد، یعنی این کار تبیینی اگر انجام نمی‌گرفت، این حادثه نه این جور ماندگار میشد، نه اثرگذار میشد؛ یک حادثه‌ای بود مثل حوادث فراوان دیگری که اتفاق می‌افتد و فراموش میشود. عامل ماندگاری و اثرگذاری این حادثه عبارت بود از همان قاب تصویر هنرمندانه‌ای که از این منتشر شد؛

تبیین، این است، تبلیغ کردن و نشان دادن، این است... «جهاد تبیین» یک فریضه است. «جهاد تبیین» یک فریضه قطعی و یک فریضه فوری است و هر کسی که می‌تواند [باید اقدام کند]؛» (دیدار با فرماندهان نیروی هوایی ۱۴۰۰/۱۱/۱۹)

در اهداف انقلاب اگر به این محور توجه نکنیم هدف های انقلاب کمرنگ می‌شود و چیزی از انقلاب باقی نمی‌ماند لذا رهبر معظم انقلاب جهاد تبیین را مطرح کرده‌اند که انقلاب اسلامی زنده بماند و اگر تربیت نیروی انقلابی تحقق نیابد به جزء ظاهری از انقلاب اسلامی باقی نخواهد ماند. هدف از وارونه نشان دادن دستاوردهای انقلاب در حوزه های فرهنگی و اقتصادی این است که نگاه ها را نسبت به آرمان های انقلاب برگردانند و انقلاب را دچار چالش کنند که نیروهای جوان مقابل انقلاب قرار بگیرند.

نتیجه گیری

در اوان انقلاب اسلامی دو تفکر یکی مبتنی بر دیدگاه لیبرال دموکراسی با محوریت غرب و دیگری بر پایه اندیشه سوسیالیستی با مرکزیت شرق بر دنیا حکمرانی می‌کردند و بقیه کشورها حکومت‌های خود را مبتنی و برگرفته از یکی از این دو بلوک شرق و غرب پایه‌گذاری می‌نمودند. کشورهای اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبودند و نهایتاً برخی از آنها تلاش می‌کردند قواعد نظام مثلاً لیبرالی را با قوانین دینی تطبیق دهند و این همان معنای حکومت مستند به دین است.

این موضوع که چرا این روشنگری را جهاد می‌گویند، به این علت است که هر حرکتی که مقابله و مبارزه با دشمن در آن باشد، جهاد به حساب می‌آید. امروز مساله تبیین و روشنگری حرکتی عظیم و موثر در مقابله با دشمن است، دشمن ما در تمام تنازعات خود و مبارزاتش و در تمام توطئه‌ها و فتنه‌ها و در حرکت‌های سیاسی و نظامی شکست خورده است. از دیگر سو نقطه قدرت ما به جایی رسیده که دشمن حتی جرات تهاجم نظامی به ما را ندارد. دشمن امروز به همه تجهیزات رسانه‌ای و ارتباطی مجهز شده و هدف او حذف اصل انقلاب و ارزش‌های آن است که اگر توانست ارزش‌های انقلاب را از درون جامعه ما بزدايد، طبیعی است که انقلاب در ما سقوط می‌کند و اگر این اتفاق افتاد، دشمن بر ما مسلط می‌شود.

گروه‌های جهادی که حلقه‌های میانی جامعه و از مهمترین اقشار و تأثیرگذارترین آنان در جهاد تبیین محسوب می‌گردند، ضرورت دارد که نخست ابعاد و مؤلفه‌های جهاد تبیین را شناخته و در گام

بعد با روش صحیح هنری و رسانه‌ای به فعالیت پردازند. غایت این جهاد، تبیین حقایق برای عموم جامعه و در اوج آن تربیت نسل انقلابی است. در حقیقت مهمترین بار جهاد تبیین و مهم‌ترین مسوولیتی که بر دوش جامعه انقلابی و بسیجی است، تربیت نیروی انقلابی است و در این مسیر جهاد نمودن ارزشمند است. هنرمند انقلابی کسی است که نیروی انقلابی را تربیت کند. هرکس که دغدغه استمرار انقلاب اسلامی را دارد لازمه آن تلاش در حوزه تربیت نیروی انسانی است.

قرآن کریم.

امام علی (ع) (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه (للصبحی صالح)، گردآوری محمد بن حسین شریف الرضی، قم: هجرت، چاپ اول.

بروجردی، ناصر (۱۳۹۲). مهندسی فرهنگی در کلام امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، قم: انتشارات تسنیم اندیشه، قم، چاپ اول.

جداوی، ابراهیم و شیروانی، مهدیه (۱۳۹۹). راهبردهای رهبری؛ تبیین عملیاتی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران: نشر پرناک، چاپ اول.

جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۷). اندیشه سیاسی شهید رابع سید محمدباقر صدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

حسن زاده، مهدی (۱۳۹۲). جنگ نرم در کلام امام خامنه‌ای، قم: انتشارات تسنیم اندیشه، چاپ اول. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ پنجم.

رضایی، محمدحسین (۱۳۹۱). دشمن‌شناسی در کلام امام خامنه‌ای، قم: ولاء منتظر، چاپ اول. رضوانی، حسین‌علی و مهرداد، فرزانه (۱۳۹۷). جملات قصار، ترجمه به انگلیسی: علی گراوند، تهران: انتشارات سخنوران.

صدیقی، کلیم (۱۳۷۹). نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران: نشر اطلاعات، چاپ نهم.

صلح میرزایی، سعید (۱۴۰۰). جهاد تبیین در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ ششم.

ضابط پور، غلامرضا (۱۴۰۰). «بازشناسی اصل نه شرقی و نه غربی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۲، شماره ۳.

عمید، حسن (۱۳۷۱). فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.

عمید، حسن (۱۳۷۱). فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.

کشیشیان، گارینه (۱۴۰۰). «الگوسازی نظام پیشرفته اسلامی بر اساس شاخصه‌های جوانگرایی در بیانیه گام دوم انقلاب»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۲، شماره ۷.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهارم.

موسوی، محمدرضا (۱۳۹۹). «علل وقوع انقلاب اسلامی ایران، چرایی و چگونگی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، بهار.